

روش‌های تبلیغی پروتستان‌ها در عصر قاجار

محمدنقی استیری

عضو حلقه علمی بلاغ (برادران)

دانش‌پژوه دوره مکمل تبلیغ، دانش‌آموخته دوره ادبیات داستانی، دانش‌پژوه دوره عمومی زبان انگلیسی

چکیده: در این مقاله با درنگ در شیوه‌های تبلیغی میسیونرهای مسیحی عصر قاجار، به مهم‌ترین شیوه تبلیغی میسیونرها (آموزش دینی) می‌پردازیم. برای تبیین این روش، ابتدا باید مفهوم‌شناسی تبلیغ در مسیحیت صورت گیرد. سپس انواع مبلغان، چگونگی سیستم آموزش و مخاطبین آموزش مورد بررسی قرار می‌گیرد و در پایان رابطه استعمار با مدارس میسیونری آشکار می‌گردد.

کلیدواژگان: تبلیغ، میسیونر، قاجار، پروتستان، آموزش دینی.

مقدمه

مسیحیت در سه شاخه اصلی کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان گسترش یافته است. تا سال ۱۴۸۳ م سرنوشت مسیحیت را شورای واتیکان تعیین می‌کرد، اما با مخالفت «مارتین لوتر کینگ» آلمانی با کلیسای کاتولیک روم، سنگ بنای مذهب جدیدی با نام پروتستان گذاشته شد. این گروه با تلاش لوتر، اولریش تسوینگلی و کالون هلندی به سرعت رشد کرد. «تسوینگلی» عمر کوتاهی داشت، اما «ژان کالون» راه او را ادامه داد. با ادغام لوتری‌ها با کالوین‌ها، این گروه تازه تاسیس توانست دایره فعالیتش را گسترده سازد.

در این نوشتار سعی شده است، آموزش دینی به عنوان مؤثرترین روش تبلیغی

مسیوینرها در عصر قاجار بررسی شود. ناگفته نماند که منظور از آموزش دینی، تعالیمی است که مسیوینرها با ساخت مدرسه در ایران به مخاطبان خود (کودکان) ارائه می‌کردند. نقش استعمار در آموزش و ساخت مدارس جدید، از رابطه مخفی آنان با مسیوینرها پرده بر می‌دارد. مبلغان و مبشران مسیحی بر این باور بودند که آموزش و پرورش، سلاحی برای تسلط بر اذهان است و با رصد کردن اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران به این نتیجه رسیدند که شرایط برای حضورشان در عصر قاجار فراهم شده است.

برای اثبات این مطلب خوب است نصیحت پایه‌گذار سلسله قاجار را بازگو کنیم. آغامحمدخان قاجار به برادرزاده‌اش فتح‌علی‌شاه گفت: «اگر می‌خواهی در ایران به راحتی سلطنت کنی، کاری کن مردم گرسنه و بی‌سواد باشند»^۱. البته سایر حکام قجری نیز چنین دیدگاهی داشتند. در نیمه قرن ۱۳ه.ق/۱۹م کودکان در مکتب‌خانه‌ها آموزش می‌دیدند و نظام خاصی برای آموزش اجباری در ایران وجود نداشت. هیچ سازمانی بر شیوه تدریس و مواد درسی میان مکاتب نظارت نمی‌کرد. در این میان، تنها مدارس وقفی و حوزه‌های علوم دینی از برنامه‌ای منظم تبعیت می‌کردند و بازده آموزشی آنان در سطح مناسبی قرار داشت^۲. پسران می‌توانستند از امکانات آموزشی این مدارس استفاده کنند و برای تعلیم دختران از معلمان خصوصی کمک می‌گرفتند^۳. حتی پس از نهضت مشروطیت و بروز تحولات اجتماعی، با اینکه بر تعداد مدارس در ایران افزوده شد، ولی آمار نشان می‌دهد، در پی فقر خانواده‌ها، از هر هزار کودک بین هفت تا ده نفر به مدرسه می‌رفتند^۴. مبلغان انجمن تبلیغی کلیسا در اصفهان، کرمان، جلفا، یزد و شیراز، مدارس با شهریه کم یا رایگان ایجاد کردند^۵.

عصر قاجار

با تاج‌گذاری آغامحمدخان قاجار در ۱۲۱۰ه.ق. حکومت ده ساله زندیه به دست تاریخ سپرد شد.

دوره اول: سلطنت قاجار با پادشاهی آغامحمدخان (۱۲۱۰-۱۲۱۱ق) و فتح‌علی‌شاه

۱. علیرضا اوسطی، ایران در سه قرن گذشته، ص ۱۲۹.

۲. هنری رنه دالماتی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ص ۱۵۲.

۳. آ.ک. لمبتون، ایران عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی، ص ۲۶۷ و ۲۶۸.

۴. عیسی صدیق، سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین، ص ۵۹۴ و ۵۹۵.

۵. صفورا پرومند، پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا، ص ۲۱۳.

(۱۲۱۲-۱۲۵۰ق) چهل سال ادامه یافت. مهم‌ترین وقایع این عصر عبارت‌اند از: انقلاب کبیر فرانسه و ظهور ناپلئون اول، توجه خاص دولت‌های اروپایی به ایران و مصالحه منافع کشور به نفع بیگانگان.

دوره دوم: مقارن با پادشاهی محمدشاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق) و ناصرالدین‌شاه (۱۲۵۰-۱۳۱۳ق) است. اهم وقایع این دوره عبارت‌اند از: امضاء عهدنامه گلستان و ترکمانچای و بروز افکار جدید در قالب انقلاب مشروطه.

دوره سوم: در این دوره، مظفرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴ق)، محمدعلی‌شاه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ق) و احمدشاه (۱۳۲۷-۱۳۴۴ق) حکم راندند. برجسته‌ترین رویدادهای این دوره، سلطنت مستبدانه مظفرالدین‌شاه، سیاست شوم انگلستان، رویکرد خشن و ناهنجار روسیه، اعطای امتیاز به بیگانگان، ظهور سید جمال‌الدین اسدآبادی، تبدیل استبداد سلطنتی به مشروطه پارلمانی، دخالت مستقیم روسیه و انگلیس در اداره کشور و بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی بوده است. سرانجام مجلس پنجم در اوایل آبان ماه ۱۳۰۴ ه.ش / ربیع‌الثانی ۱۳۶۴ق با خواست اکثریت، انقراض سلطنت قاجار را تصویب کرد.^۱

تاریخچه کلیسای پروتستان

با شروع نهضت اصلاحی لوتر در مقابل کلیسای کاتولیک که تا آن روز عهده‌دار تمامی مسایل مسیحیت بود، لوتر (۱۵۴۶ش/۱۴۸۳م) با بازگشت به ریشه‌های مذهبی مسیحیت، زمینه‌ساز حرکت اصلاحی قابل توجهی در نهادها و آموزش و پرورش گردید^۲ که تبعات آن باعث به وجود آمدن دو جریان فکری شد:

۱. لوتری‌ها: این نام که در اصل از سوی مخالفان او انتخاب شد، بعدها توسط پیروان او که خود را وابسته به لوتر نامیدند، به‌ویژه بعد از سال ۱۵۳۰م پذیرفته شد.
۲. کالوین‌ها (اصلاح‌شده): این گروه پیروان «کالون» بودند که به پیروی از او خود را اصلاح‌شده می‌نامیدند. ناگفته نماند که کالون خود از طرفداران لوتر بود، ولی کالوین‌ها به علت اختلاف نظر با لوتر، شیوه جدیدی (اصلاح‌شده) را دنبال کردند. در قرن نوزدهم

۱. علی‌اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۴۳، ۱۲۳، ۲۲۵ و ۶۸۱.

۲. لموتان کوی، آموزش و پرورش، فرهنگ و جوامع، ترجمه محمد یمنی دوزی سرخابی، ص ۳۵۰.

و بیستم کلمات انجیلی^۱ و پروتست^۲ به طور کلی به عنوان تفسیر مشترکی برای هر دو عنوان لوتری و اصلاحی به کار برده شد. کلمه پروتستانت از پروتست (اعتراض) گرفته شده که انجیلی‌ها در اظهاراتشان نسبت به انجمن قانون‌گذاری اسپیر^۳ در ۱۵۲۹م، بر ضد تصمیمات آن در مطالب دینی استفاده کردند^۴.

مفهوم‌شناسی

برای رسیدن به تعریفی اجمالی از تبلیغ در مسیحیت، ناگزیریم کلماتی چون: مبشر، مرسل، پادری، مبلغ و میسیونر را به اختصار واکاوی کنیم:

۱. مبشر: صفت عربی مشتق از بشر به معنای مژده‌دهنده یا نویدبخش. از آنجا که اعضای کلیسا با استفاده از کتاب انجیل، موعظه و آیین خود را معرفی می‌کردند و مردم را برای رسیدن به ملکوت خداوند بشارت می‌دادند، به مبشر ملقب شدند.

۲. پادری: مشتق از father به معنی پدر یا پدر روحانی.

۳. مبلغ: صفت عربی مشتق از فعل بلغ به معنای رساننده و کسی است که امر دین را به دیگران رسانده و ابلاغ می‌کند.

۴. مُرسل: اسم مفعول مشتق از فعل عربی رسل به معنای فرستاده شده. البته رسول در مسیحیت به فردی گفته می‌شود که برای تبلیغ مسیحیت به مکانی برود. از رسولان معروف می‌توان به پولس و پطروس اشاره کرد.

۵. میسیونر: واژه «میسیون»^۵ در زبان لاتین به معنای فرستادن، روانه کردن، گسیل داشتن یا اعزام کردن است. واژه میسیون در زبان لاتین نقش فعل و اسم را ایفا می‌کند^۶. واژه میسیون به عنوان اسم، کاربردهای مختلفی دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- اجازه‌ای که از سوی خداوند یا کلیسا برای موعظه اعطا می‌شود؛
- گروهی که از سوی انجمن مذهبی برای تغییر کیش کفار به سرزمین‌های دیگر اعزام می‌شوند؛

۱. Evangelical.

۲. Protest.

۳. یکی از شهرهای آلمان غربی.

۴. اینار مولند، جهان مسیحیت، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، ص ۲۶۲.

۵. mission-en.

۶. صفورا پرومند، پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا، ص ۱۶.

- کوشش‌های سازمان‌یافته‌ای که مستلزم آماده‌سازی و تجهیز گروهی است. و اگر به معنای فعل باشد:

- فردی که برای انجام یک مأموریت مذهبی اعزام می‌شود.

- نماینده یا مأمور مخفی، به‌ویژه فردی که برای مأموریت سیاسی اعزام می‌شود، که در خصوص فعالیت مبلغان مسیحی در ایران این امر صادق است.^۱

تبشیر در دل واژه‌هایی چون میسیون، فادر، مرسل و مبلغ جای گرفته است. تبلیغ: انتقال آموزه‌های دینی مسیحیت در جوامع بشری، توسط مبلغان و مبشران برای شناساندن مسیحیت و بالا بردن آگاهی افراد نسبت به دین مسیح صلی الله علیه و آله، البته بر پایهٔ انذار و تبشیر.

انواع مبلغان مسیحی

مبلغان مستقل: میسیونرهایی که به صورت انفرادی یا گروهی و بی هیچ وابستگی به هیئت، انجمن و یا دولت و حکومتی و صرفاً بر اساس وظیفهٔ الهی و با تشخیص خود کمر همت برای تبلیغ دین مسیح صلی الله علیه و آله بسته بودند. حواریون، اولین مبلغان مستقل در مسیحیت هستند.

مبلغان وابسته: این گروه دو دسته را در بر می‌گیرد: ۱. مبشرانی که از طرف کلیساهای مرکزی مأموریت داشتند و هدفشان صرفاً تبلیغ آیین مسیح صلی الله علیه و آله بود. ۲. مبلغانی که از سوی کلیسا، انجمن مسیحی یا حکومت‌های استعماری آن زمان مانند: آلمان، آمریکا، بریتانیا، پرتغال و فرانسه حمایت می‌شدند و از جانب آنان مأموریت داشتند، اهداف استعماری آنان را دنبال و اجرا کنند. اوج فعالیت این طیف دوران قاجار می‌باشد.

یکی از ویژگی‌های تأثیرگذار مبلغ در تبلیغ شخصیت او است. در واقع هرگاه مبلغان با درک محیط اجتماعی اطراف خود، آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی را فرا می‌گرفتند و نیازهای جوامع مختلف غیرمسیحی را با امکانات خود برای تبلیغ، تطبیق می‌دادند، در انجام امور تبلیغی خود موفق بودند. با تکیه بر تأثیر روحیه و شخصیت یک مبلغ، سازمان‌های تبلیغی مبلغانی را برای فعالیت در ایران انتخاب می‌کردند که: ۱. اطلاع کافی از انجیل و تورات داشته باشند. ۲. با نیازهای جامعهٔ ایران آشنا باشند. ۳. به آرامی و با ملایمت مردم را به پذیرش عقاید خود تشویق کنند. ۴. توانایی سفرهای

۱. همان، ص ۱۷.

طولانی و اقامت درازمدت در شهرها و روستاهای بیگانه را داشته باشند. ۵. زندگی خود را وقف انجام امور تبلیغی کنند. شیوه فعالیت و زندگی مبلغانی مانند: «رابرت بروس» (رابرت بروس یک مبلغ ایرلندی از اعضای کالج تثلیث دوبلین بود)^۱ و «ماری برد»^۲ در ایران این ادعا را اثبات می کند.^۳

«رابرت بروس» که یکی از میسیونرهای معروف و پرکار در ایران عصر قاجار بود، با ارسال نامه‌ای به انجمن تبلیغی کلیسا در انگلستان به لزوم حضور اعضای جدید برای انجام امور تبلیغی در جنوب ایران اشاره می کند و شرایط لازم برای مبلغان را چنین اعلام می نماید:

۱. به حدود شش زبان آشنایی داشته باشد؛
۲. حسابدار خوبی باشد؛
۳. مدیر خوبی برای نمایندگان و مدیران باشد؛
۴. توانایی تحمل سختی‌های سفر را داشته باشد.

مخاطبین آموزش

کودکان نخستین گروهی بودند که وارد فضای آموزشی جدید شدند. آنان به عنوان مهم‌ترین مخاطبان آموزش مورد توجه میسیونرها قرار گرفتند.

کودکان اقلیت‌های مسیحی: مبلغان مسیحی پروتستان با ورود به ایران ابتدا حوزه فعالیت خود را بر آموزش فرزندان مسیحی نستوری در آذربایجان، معطوف کردند. میسیونرهای آلمانی در حدود ۱۸۳۰م-۱۲۰۹ش در تبریز مدارس برای مسیحیان تأسیس کردند. در سال ۱۸۲۹م-۱۲۰۸ش دو مبلغ پروتستانی آمریکایی به نام‌های «اسمیت» و «دویت» برای رسیدگی به وضع مسیحیان آذربایجان وارد ایران شدند.^۴ «رابرت بروس» پس از اقامت در جلفا به پیشنهاد برخی از ارامنه و با همکاری «کاراپت هوانس» مدرسه‌ای برای آموزش پسران ارمنی تأسیس کرد. این مدرسه در ۱۲۹۱ق-۱۸۷۴م کار خود را در جلفا آغاز کرد.^۵

کودکان اقلیت زردتشتی: «میس برایتی» مدرسه‌ای در یزد برای تحصیل دختران

۱. Dublin Trinity college.

۲. Mary Bird.

۳. صفورا پرومند، پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا، ص ۲۱۱.

۴. مونیکا ام. رینگر، آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، ص ۱۲۸.

۵. صفورا پرومند، پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا، ص ۱۵۳.

زردتشتی تأسیس کرد.^۱

کودکان بی‌سرپرست: در واقع از حدود قرن ۱۸م-۱۲ق گوشه‌ای از فعالیت تبلیغی مبلغان پروتستان با ایجاد مدارس برای کودکان به‌ویژه کودکان بی‌سرپرست و آواره - آغاز شد.^۲

کودکان قالی‌باف: کرمان در زمان قاجار مهم‌ترین قطب قالی‌بافی ایران بود و از سویی در مسیر تجاری انگلیس با هند قرار داشت. این امر باعث حضور فعال مبلغان شد. آنان با ساخت مدارس زیادی توجه توده‌های مردم را به خود جلب کردند. کودکان عشایری: میسیونرها معتقد بودند به سبب بعد مسافت و دور بودن محل زندگی عشایر از جامعه شهری، امکان توسعه فعالیت تبلیغی بیشتری را خواهند داشت، می‌توان به فعالیت دکتر «الیزابت راس روز» اشاره کرد. او در کتاب خود به نام، «با من به سرزمین بختیاری بیایید» گزارش از اقامت خود در ایل بختیاری ارائه می‌نماید.

چگونگی سیستم آموزشی

تمام وقت (شبانه‌روزی)

کلیسا برای تأثیر بیشتر بر دانش‌آموزان و تازه مسیحی‌شدگان، کسانی را که جذب این مدارس می‌شدند، به صورت تمام وقت آموزش می‌داد. از جمله مدرسی که از سیستم شبانه‌روزی بهره می‌بردند، مدرسه ایران «بیت ئیل» بود. به گفته مجله «نور جهان» در سال ۱۸۸۲م. سیستم جدیدی برای اداره آموزشگاه ایران «بیت ئیل» اتخاذ شد که بر اساس آن والدین دختران باید با مدرسه قراردادی امضا کنند تا فرزندانشان مدت معینی در مدرسه بمانند. دخترانی که با این قرارداد در مدرسه پذیرفته می‌شدند، در ایام سال حتی تعطیلات تابستان در مدرسه مانده و تحت توجهات دقیق اولیای آموزشگاه تربیت می‌شدند.

نیمه وقت (روزانه)

در این سیستم آموزشی، محصلین تنها روزها تحت برنامه آموزشگاه بودند. این روش تأثیر کمتری نسبت به آموزش تمام وقت داشت، ولی نفوذ آموزگاران را نمی‌توان نادیده انگاشت.^۳ نخستین مدرسه میسیونری در ژانویه ۱۸۳۶م/دی ۱۲۱۴ش در

۱. عبدالحسین آیتی، تاریخ یزد، ص ۴۱۶.

۲. جان بی‌ناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۶۹۷.

۳. مرتضی نظری، بررسی شیوه‌های تبلیغاتی مسیحیت، ص ۲۲۴ و ۲۲۵.

ارومیه تأسیس شد. مدرسه در اصل یک حوزه علمیه بود و از دانش‌آموزان نام‌نویسی شده انتظار می‌رفت که به آیین پروتستان درآیند.^۱ «مدرسه معرفت» در تبریز و «مدرسه مهر آیین» در شیراز از مدارس روزانه محسوب می‌شدند.

نقش اجبار در سیستم آموزشی کلیسا

در سیستم آموزشی کلیسا، اجبار جایگاه خاصی دارد و این مهم در مراحل آموزشی به خوبی نمایان می‌شود. از جمله قوانین اجباری در مدارس میسیونری: دانش‌آموزان باید روزی یک مرتبه در کلیسا حاضر می‌شدند. شاگردان باید در تعطیلات تابستان به مدرسه می‌رفتند. دختران مجبور به پوشیدن لباس فرم برای شرکت در کلاس بودند. باید کلاس‌ها هر صبح با خواندن دعای ربانی شروع می‌شد. قرائت پانزده دقیقه انجیل بعد از هر ساعت درسی ضروری بود و یادگیری سرودهای مسیحی، آموختن الفبای سریانی، زبان لاتین و انگلیسی اجباری بود. در بازرسی از مدرسه دخترانه آمریکایی‌ها آمده است که در این مدرسه دختران مسلمان مجبور به آموختن اصول مذهب پروتستان می‌باشند و در ضمن تعطیلی این مدرسه روزهای یکشنبه است.^۲

متون آموزشی مدارس میسیونری

برای آشنایی بیشتر، متون آموزشی چند مدرسه مهم به اختصار یادآور می‌شود.

۱. مدرسه انجمن تبلیغی کلیسا در جلفا: متون آموزشی آن آموزش زبان لاتین، فرانسه، انگلیسی، چهار کتاب اول هندسه اقلیدسی و جبر بوده است به نقل از "دکتر ویلز" برنامه درسی این مدرسه با کلاس‌های درسی سیکل در انگلستان مطابقت داشته است.^۳ "لرد کرزن" در بازدید از جلفا عده شاگردان مدرسه پسرانه پروتستان‌های ارمنی را ۱۷۷ و تعداد شاگردان دختر را ۱۶۴ نفر بیان می‌کند.^۴

۲. مدرسه استوارت مموریال کالج در اصفهان: متون آموزشی آن مانند مدارس جلفا بوده است. با این تفاوت که در این مدرسه، در ساعت‌های خاصی انجیل، تدریس و تفسیر می‌شده است.^۵

۱. مونیکا ام. رینگر، آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

۲. مرادعلی توانا، زن در تاریخ معاصر ایران، ص ۹۱ و ۹۳.

۳. صفورا پرومند، پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا، ص ۱۵۴.

۴. علی جواهر کلام، جغرافیای تاریخی اصفهان و جلفا.

۵. صفورا پرومند، پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا، ص ۱۵۷.

۳. مدرسه انجمن تبلیغی کلیسا در کرمان و مدرسه دخترانه هیئت مبلغان: متون آموزش آنان شامل فارسی، عربی، انگلیسی، تاریخ، جغرافی به زبان انگلیسی، هندسه، جبر و مقابله، دفترداری و الکتریسیته بوده است.^۱

۴. مدرسه انجمن در یزد: متون درسی این مدرسه از قبیل حساب، زبان انگلیسی و جغرافی بوده است. انجیل نیز هر صبح و شب به زبان فارسی خوانده می‌شده است.^۲

روش‌های جذب افراد به تحصیل در مدارس میسیونری

۱. نقاشی: رابرت بروس برای جلب توجه شرکت‌کنندگان در مراسم مذهبی و سخنرانی، دیوارها و شیشه‌های کلیسا و محیط اطراف آن را با نقاشی‌هایی تزیین کرده بود. در داخل کلیسا تابلوهای متنوعی با موضوع‌های مذهبی و تصاویری از قدسین قرار داشت که محیطی متفاوت و قابل توجه برای کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان ایجاد می‌کرد.^۳

۲. اهدای لوازم کمک‌آموزشی در مدارس: در تبریز انجمن خیریه زنان ارمنی در ۱۸۹۰-۱۸۹۱م نه تنها تأسیس مدارس دخترانه را در منطقه مورد تشویق قرار می‌داد، بلکه برای دانش‌آموزان شهریه، لباس و ملزومات ضروری تهیه می‌کرد.^۴ در نخستین سال‌های تأسیس آموزشگاه مسیحی دخترانه "ایران بیت ئیل" در تهران کلیه مخارج تحصیل، لباس و زندگی دختران در مدرسه شبانه‌روزی را رایگان تأمین می‌کرد.^۵

۳. تدارک سفرهای آموزشی خارج از کشور: به نقل از "ایزابلارد بیشاپ" که در این دوران هیئت، انجمن تبلیغی کلیسا از مدارس بازدید کرده است، می‌گوید: با احتساب بزرگ‌سالانی که در این هیئت تعلیم می‌دیدند، حدود سه هزار نفر از آنان پس از فراگیری زبان، علوم و حرف مختلف به هندوستان، جاوه یا اروپا می‌رفتند و در آن مناطق به تحصیل و کار مشغول می‌شدند. "گلارارایس" که از سیاحان انجمن تبلیغی کلیسا است، در کتاب خود به نام زنان ایران و رسوم آنها به مواردی از این مهاجرت‌ها اشاره کرده و یادآور می‌شود، برخی از دختران برای تحصیل پزشکی و سایر علوم به

۱. همان، ص ۱۶۴.

۲. همان، ص ۱۶۹.

۳. سی جی ویلز، ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلام‌حسین قزوینلو، ص ۲۰۳.

۴. مونیکا ام رینگر، آموزش دین و گفتمان اصلاح فرهنگی، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، ص ۱۴۷.

۵. مرتضی نظری، بررسی شیوه‌های تبلیغاتی مسیحیت علیه اسلام، ص ۲۲۸.

ایالات متحده آمریکا، هندوستان و انگلستان می‌رفتند.^۱

۴. آموزش حرفه و کار: در دوره سلطنت محمدشاه ۱۲۵۰ق. برای اولین بار شاهد تأسیس مدارس به سبک جدید هستیم. کشیش "پرکینز" امریکایی در شهر اورمیه در اوایل سال ۱۲۵۴هـ ق اولین مدرسه میسیونری را تأسیس کرد. این مدرسه دارای چهار کلاس بود. در کنار تدریس مواد درسی علوم جدید، آهنگری و قالی‌بافی نیز به کودکان آموزش داده می‌شد.^۲ "رابرت بروس" افزون بر مدرسه پسرانه هیئت جلفا، مدرسه دخترانه نیز ایجاد کرد. او کلاس‌های خاصی برای تعلیم فنون و حرفه‌های گوناگون همچون نجاری، خیاطی و سوزندوزی در نظر گرفته بود.

۵. نصب امکانات ورزشی در مدارس: در مدارس مربوط به انجمن، مکانی برای فعالیت‌های ورزشی اختصاص داده می‌شد که بر اساس آن دانش‌آموزان پسر، روزانه در حیاط بزرگ مدرسه ورزش می‌کردند و برخی لوازم مانند بارفیکس، پارالل و دیگر لوازم ژیمناستیک برای آنان فراهم بود.

۶. استفاده از موسیقی: انجمن تبلیغی کلیسا در کرمان فعالیت داشت و در کلیسای آن مرکز فعالیت مذهبی وجود داشت. در این کلیسا مراسم مذهبی به زبان فارسی برگزار می‌شد. موسیقی‌ای که در این کلیسا رایج بود، زمینه ایرانی و شرقی داشت.^۳ ۷. قصه‌گویی: مبلغان، به‌ویژه زنان مبلغ ضمن صحبت با کودکان و نوجوانان، با موعظه و نقل داستان‌های کودکانه و نشان دادن تصاویری از این داستان‌ها، توجه آنان را به آرا و عقاید خود جلب می‌کردند.

۸. غذا دادن به فقرا: مدرسه مرسلین یکی از قدیمی‌ترین مدارس نوین یزد بود که به وسیله استاد جعفر مجیبیان، معمار برجسته یزدی ساخته شد. کنار این مدرسه، کلیسای مرسلین بود که مردم را با تبلیغات خود به مسیحیت دعوت می‌کرد. برخی از مردم فقیر یزد، یک‌شنبه‌ها برای یک وعده غذا، پای صحبت کشیش‌های انگلیسی می‌نشستند.^۴

۹. هدیه دادن به کودکان: انگلیسی‌ها به غیر از مداوای بیماران، به بینوایان کمک می‌کردند تا از این راه، مهرشان در دل مردم جای بگیرد. حتی به بچه‌ها عروسک

۱. صفورا پرومند، پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.

۲. بشری دلریش، زن در دوره قاجار، ص ۱۲۴.

۳. صفورا پرومند، پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا، ص ۱۶۳.

۴. حسین مسرت، زندگی و شعر فرخی یزدی، ص ۴۸.

چینی می‌دادند.^۱

۱۰. رشوه دادن به خانواده‌ها: میسیونرهای لوترین و پروتستان سرمایه بیشتری در اختیار داشتند. به شاگردان کمک‌هزینه می‌رساندند. حتی به خانواده‌های دانش‌آموزان هم دست‌مزدی رشو می‌مانند می‌پرداختند تا کودکان را که کمک‌رسان خانواده‌ها بودند، از رفتن به کشتزار و چراگاه باز دارند.^۲

استعمار و مدارس میسیونری

استعمار یک سیستم اجتماعی به همراه دارد و فرهنگ استعمار، مظهر تسلط ایدئولوژیک استعمار در جوامع مستعمره است. پس هیچ مبارزه ضد استعماری وجود ندارد که در آن مسئله فرهنگی مطرح نباشد. از وقتی که استعمار خود را متمدن معرفی کرد، غارت توده‌های تحت تسلط را در قالب فلسفی گنجاند. در نتیجه تکه‌پاره‌های علمی و فرهنگی این فلسفه به سرعت در اروپا ساخته شد و از سر هم کردن آنها ایدئولوژی استعمار پدید آمد.^۳ روند تأسیس مدارس در ایران با پیشگامی غربی‌ها، نشانه دقت و دوراندیشی آنان در کشور ما بوده است. میسیونرها امیدوار بودند با ساخت مدارس در درازمدت، قلوب توده‌های مردم را تسخیر کرده و در نهایت اسلام‌زدایی نمایند. "لرد کرزن" سیاستمدار معروف انگلیسی، روال فعالیت مبلغان مسیحی را کم‌نتیجه و ناقص می‌داند. او به جای تبلیغات آشکار، آموزش در قالب مدارس را پیشنهاد می‌کند.

اهم نتایج استعماری این مدارس عبارت‌اند از:

۱. اسلام‌زدایی؛
۲. کم‌رنگ کردن نقش حوزه‌های علمیه در تعلیم و تربیت جامعه؛
۳. گسترش فرهنگ بیگانه در کشور؛
۴. آموزش‌های مطالب مغایر با فرهنگ دینی ایران؛
۵. تحریف در حوزه جغرافیایی کشور: در کلاس‌هایی که در انجمن تبلیغی کرمان برگزار می‌شد، نقشه‌هایی از ایران را طراحی و نصب کرده بودند که در آن قسمتهایی از ایران مطابق طرح شوم انگلیس (تجزیه ایران) بود.

۱. همان.

۲. هما ناطق، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، ص ۲۳۶.

۳. مهین اویسی، فرهنگ ایران در سفرنامه‌های اروپایی دوره قاجار، ص ۷۵.

۶. پیدایش روشن‌فکرانی با مشخصاتی از قبیل دارا بودن مدارک تحصیلی از دانشگاه‌های غربی، دارای بینش و طرز تفکر اروپایی و امریکایی، افرادی بیگانه با فرهنگ خودی و حتی گاهی در تعارض با خود و مدافع منافع کشورهای بیگانه^۱.

نتیجه

میسوینرها از خلاء موجود در فضای آموزشی ایران آگاه بوده و از این فرصت برای دستیابی به آرمان‌های خود استفاده کردند. با بررسی عملکرد ایشان، روشن می‌شود که هدف اصلی آنان، اسلام‌زدایی و دسترسی به منابع بکر ایران بوده است. مبلغان در این برهه از تاریخ ایران نقش دوگانه خود را ایفا کردند. از طرفی نقش یک مبلغ و از سوی دیگر وظیفه یک جاسوس آموزش دیده را به خوبی انجام دادند. آنان با حرکتی نرم و خزانده و با شعارهای زیبا وارد فضای فکری کودکان شدند. از این رهگذر کانالی به سوی خانواده‌های سست‌عقیده زدند. آموزش کودکان از مهم‌ترین برنامه‌های پروتستان‌ها بوده است. شعار محوری آنان "مبشر اول، مدرسه است" بوده. آنان آموزش کودکان را بهترین وسیله برای نفوذ آموزه‌های مسیحیت در خانواده‌های مسلمان می‌دانستند. از این‌رو، ابتدا از آموزش کودکان اقلیت‌های دینی در ایران شروع کردند. در واقع تمام برنامه‌های آنان برای جذب کودکان مسلمان بوده است، ولی به خاطر مخالفت علما و توده مردم با این نوع مدارس اهداف خود را زیر چتر مدارس اقلیت‌ها پنهان می‌کرده‌اند. استعمار توانست با تربیت افراد پایبند به اصول مسیحیت زمینه حضور آنان را در اروپا فراهم آورد و بعدها با تزریق این افراد در سیستم حکومتی ایران، جایگاه استکباری خود را تقویت کند. مقارن با پایان دوره قاجار نقش این طیف در اداره ایران بسیار ملموس می‌شود، به شکلی که در تصمیمات کلان کشور تعیین تکلیف می‌کنند. مأموریتی که استعمار با همکاری کلیسا شروع کرده بود، با زوال حکومت قاجار به ظاهر تمام شد، ولی با روی کار آمدن پهلوی در قالب‌های جدیدتری که ذاتاً زائیده فکر استعمار بودند، نمودار شد. با نفوذ لابی‌های یهود در سیستم حکومتی ایران، افکاری مسموم‌تر از ایده‌های مسیحیت نمایان شد.

۱. کتاب سروش، مجموعه مقالات «راه‌های نفوذ فرهنگی غرب در ایران معاصر»، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

منابع

۱. آلمانی، هنری رنه د، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه فرهوشی همایون، دنیای کتاب، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۲.
۲. اوسطی، علیرضا، ایران در سه قرن گذشته، پاکتاب، تهران، ۱۳۸۱.
۳. اویسی، مهین، فرهنگ ایران در سفرنامه‌های اروپایی، نوید شیراز، شیراز، ۱۳۷۹.
۴. برومند، صفورا، پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بی‌نا، تهران، ۱۳۸۰.
۵. بی‌ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت، علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۸۰.
۶. توانا، مرادعلی، زن در تاریخ معاصر ایران، برگ زیتون، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴.
۷. جواهر کلام، علی، جغرافیای تاریخی اصفهان و جلفا، ابن‌سینا، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۸.
۸. دلریش، بشری، زن در دوره قاجار، سازمان تبلیغات اسلامی، بی‌نا، تهران، ۱۳۷۶.
۹. رایت، دنیس، انگلیسیان در ایران، ترجمه غلام‌حسین صدری افشار، دنیا، بی‌نا، تهران، ۱۳۵۷.
۱۰. رایس، کلارا کولیور، زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، ترجمه اسدالله آزاد، کتابدار، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۳.
۱۱. رینگر، مونیکا ام، آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، ققنوس، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱.
۱۲. شمیم، علی‌اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، زریاب، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۹.
۱۳. صدیق، عیسی، سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین، دانشگاه تهران، بی‌نا، تهران، ۱۳۷۳.
۱۴. کتاب سروش (مجموعه مقالات ۱)، روبروایی فرهنگ ایران و غرب در دوره معاصر، سروش، تهران، ۱۳۷۵.
۱۵. لمتون، آ.ک.س، ایران در عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی، جاویدان خرد، بی‌نا، مشهد، ۱۳۷۵.
۱۶. مسرت، حسین، زندگی و شعر فرخی یزدی، نشر ثالث، شیراز، ۱۳۸۴.
۱۷. مولند، اینار، جهان مسیحیت، ترجمه محمدباقر انصاری، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱.
۱۸. ناطق، هما، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، خاوران، پاریس، ۱۳۷۵.
۱۹. نظری، مرتضی، بررسی شیوه‌های تبلیغاتی مسیحیت علیه اسلام، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۱.
۲۰. ویلز، سی جی، ایران در یک قرن پیش، اقبال، بی‌نا، تهران، ۱۳۶۸.